



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

FT

## سورپرایز اکتبر در پیش است؟

در طی یک سال گذشته دولت بایدن در تلاش بوده تا مانع از وقوع جنگی منطقه‌ای در خاورمیانه شود که بیم آن می‌رود پای آمریکا را نیز به معرکه بکشانند و یا لطمه‌ای سنگین به اقتصاد جهانی وارد نماید. این سیاست اکنون در یک قدمی شکست قرار گرفته است. برای دومین بار در طی سال جاری میلادی، ایران موشک‌هایی را به سمت اسرائیل شلیک کرده است. جیک سالوان، مشاور امنیت ملی قول داده که «تبعاتی جدی» در انتظار ایران خواهد بود و اینکه آمریکا «با اسرائیل همکاری خواهد کرد» تا از این مسئله اطمینان یابد. این حملات به نظر مانند تهدید به عملیات نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران می‌آید. در ماه آوریل، اسرائیل متقاعد شد که اقدام تلافی‌جویانه خود را به اندازه‌ای محدود سازد که ایرانی‌ها به طور ضمنی بپذیرند که حملات متقابل طرفین تمام‌شده تلقی می‌شود. اما این بار بعید است که بتوان جلوی تشدید بیشتر این تبادل آتش بین ایران و اسرائیل را گرفت. ایرانی‌ها مطمئناً ریسک‌های افزایش متقابل تنش از سوی اسرائیل را درک خواهند کرد و برخی در تهران نگران خواهند بود که با موشک‌باران مجدد اسرائیل دارند در تله می‌افتند. اما عدم پاسخگویی به حملات اسرائیل به مواضع حزب الله که پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران رخ داد نیز یک ریسک جدی برای ایران به نظر به حساب می‌آید. منطق وحشتناک جنگ و بازدارندگی می‌گوید قدرتی که قادر به دفاع از هم‌پیمانانش یا پاسخ‌گویی به حملات به پایتختش نباشد ضعیف به نظر خواهد آمد و ضعف احتمالاً موجب حملات بیشتر و از بین رفتن نفوذ و پرستیژ بین‌المللی خواهد شد. با این حال کاخ سفید در پی موضع‌گیری سرسختانه خود ممکن است از اسرائیل بخواهد که پاسخ خود را تعدیل نماید و آنچنان پاسخ سختی به ایران ندهد که تهران خود را ملزم به پاسخ مجدد احساس کند. پس از خروج از افغانستان، دولت بایدن هیچ تمایلی به کشیده شدن پایش به یک جنگ دیگر در خاورمیانه ندارد. در حالی که نیروهای اسرائیلی هم‌اکنون درگیر جنگ در غزه و لبنان هستند، دولت نتانیاهو ممکن است دلایل خودش را برای عدم افزایش تنش به منظور ورود به یک رویارویی مستقیم با تهران در مقطع فعلی داشته باشد. اما اگر هم اسرائیلی‌ها تصمیم‌بگیرند که می‌خواهند اقدام مستقیم شدیدی انجام دهند، آنها قبلاً نشان داده‌اند که کاملاً از نادیده گرفتن درخواست‌های دولت بایدن در خصوص اتخاذ رویکرد خویشتندارانه خرسند می‌شوند. کاخ سفید ممکن است امیدوار باشد که از طریق همکاری با اسرائیل می‌تواند نفوذ بیشتری بر میزان قوت و ماهیت پاسخ اسرائیل اعمال نماید. آمریکا ماه‌ها از اسرائیل درخواست می‌کرد تا به حزب‌الله حمله نکند. پس از شروع حملات اسرائیل به حزب‌الله در ماه گذشته، دولت بایدن با ایستادن در کنار انگلیس، فرانسه و دیگر کشورها خواستار آتش‌بس فوری در لبنان شد اما این درخواست بار دیگر رد شد. آمادگی دولت نتانیاهو برای نشنیده گرفتن درخواست‌های نزدیک‌ترین متحد خود و تضمین‌کننده امنیت اسرائیل ناشی از یک پارادوکس آشکار در قلب سیاست آمریکا در قبال تل‌آویو است. دولت بایدن می‌تواند از اسرائیل بخواهد که در مورد غزه و لبنان از خود خویشتنداری نشان دهد و این کار را نیز انجام می‌دهد. اما همواره با استناد به تعهد فراگیر خود نسبت به دفاع از اسرائیل در برابر ایران و دیگر دشمنان منطقه‌ای‌اش، از این کشور در برابر تبعات افزایش تنش محافظت می‌کند. در نتیجه دولت اسرائیل درک می‌کند که نادیده گرفتن دولت بایدن تقریباً هیچ ریسکی به دنبال ندارد. در حقیقت وادار کردن آمریکا به استفاده از توان نظامی‌اش علیه ایران حتی مفید نیز خواهد بود. با این حال، وضعیت خطرناک فعلی می‌تواند خبری بد برای هریس باشد. دونالد ترامپ دوست دارد ادعا کند که جهان در دوران ریاست جمهوری وی در صلح و آرامش به سر می‌برد و اینکه «ضعف» دولت بایدن منجر به بروز جنگ‌هایی در اروپا و خاورمیانه شده است. تنش اخیر نیز به خوبی به تقویت این روایت کمک می‌کند. هر بار که انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا در پیش باشد، این گمانه‌زنی مطرح می‌شود که یک «غافلگیری اکتبر» احتمالی می‌تواند در فاصله چند هفته‌مانده به زمان رای‌گیری، سرنویشت انتخابات را تغییر دهد. اسرائیل و ایران غافلگیری اکتبر انتخابات پیش‌رو را رقم زده‌اند و ترامپ ممکن است برنده این اتفاق غیرمنتظره باشد.



# منطقه نیازمند ترتیبات امنیتی جدید است

## گفتارهایی درباره ابعاد حقوقی، سیاسی و ژئوپلیتیک دالان زنگزور



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

اول مهرماه نشست بررسی حقوقی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک دالان زنگزور توسط اندیشکده مطالعات آسیایی ایرانیان در مرکز مطالعات خاورمیانه برگزار شد. این نشست که بحث کریدورهای ارتباطی منطقه غرب آسیا نیز در آن مطرح شد، پیش از سخنرانی نتانیاهو در سازمان ملل برگزار شد. نتانیاهو در سخنرانی خود به تلاش برای حذف ایران از کریدورهای بین‌المللی منطقه اشاره داشت. در این نشست عباس آخوندی، وزیر سابق راه و شهرسازی، امین ترفیع، رئیس مرکز امور بین‌الملل وزارت راه و شهرسازی، دکتر احمد کاظمی، استاد دانشگاه و پژوهشگر مسائل اوراسیا و محمدعلی بهمنی قاجار، وکیل دادگستری و پژوهشگر تاریخ به سخنرانی پرداختند.

### ▼ ایران مطمئن‌ترین مسیر ارتباط با کوربا نخجوان

امین ترفیع، رئیس مرکز امور بین‌الملل وزارت راه و شهرسازی در این نشست گفت: در میانه جنگ ۲۰۲۰ آقای علی اف واژه زنگزور را در ادبیات ژئوپلیتیکی آذربایجان ایجاد کرد. هم‌در هفته گذشته هم در برهه‌های قبلی نخست‌وزیر ارمنستان اشاره کرد که آماده‌ایم مطابق با شرایطی که ایران برای اتصال آذربایجان به نخجوان فراهم کرده، ما هم با همان شرایط از خاک خودمان اتصال آذربایجان به نخجوان را برقرار کنیم. منتها در طول مذاکراتی که وجود داشت و اتفاقاتی که افتاد و فرازونشیب‌هایی که بود هیچ وقت ارمنستان نپذیرفت که اسم این منطقه را که آذربایجان به آن کریدور زنگزور می‌گوید بپذیرد و ارمنستان صرفاً گفت این مسیر حمل و نقلی است که آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند و اسم کریدور را برای آن قائل نیست.

ارمنستان نگاهش به موضوع زنگزور صرفاً مسیر حمل و نقلی است و عنوان کریدوری برای آن قائل نیست. نخست‌وزیر ارمنستان موضوع چهارراه صلح را مطرح کرده است. چهارراه صلح هم مسیرهای شمالی-جنوبی را در بر می‌گیرد و هم مسیرهای شرقی-غربی؛ یعنی به نوعی این ابتکار را مطرح کرد که مسیر حمل و نقلی

کریدور می‌تواند نفوذ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خودشان را در منطقه قفقاز داشته باشند و جلوی رقبای منطقه‌ای مثل ایران و روسیه را بگیرند.

از ۳۰ سال قبل و بعد از فروپاشی شوروی، ایران به‌عنوان مسیر حمل و نقلی اتصال آذربایجان به نخجوان عمل کرده و بهترین و کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر بوده؛ حتی در دوران کرونا که محدودیت‌های مرزی در مرزهای مختلف ایجاد شد و مرزهای ایران مسدود شد، اتصال آذربایجان به نخجوان باز بود و این تبادل بین آذربایجان و نخجوان از طریق خاک ایران اتفاق می‌افتاد. سال ۱۴۰۰ یک تفاهم‌نامه ایجاد مسیر ارس از طریق ایران بین آذربایجان و ایران منعقد شد و همین الان عملیات ساخت پل آق پند در حال انجام است. در حالی که جغرافیای سیونیک ارمنستان صعب‌العبور است و هزینه زیرساخت آنجا برای اتصال آذربایجان به نخجوان خیلی بالاست و احتمالاً میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد که این مسیر حمل و نقلی شکل بگیرد ولی اگر این مسیر ساخته شود و در طول زمان آذربایجان تمایل پیدا کرد از آن استفاده کند حتماً تا زمان نامعلومی استفاده از آن به‌خاطر اختلافات ریشه‌ای و اساسی که مردم آذربایجان و مردم ارمنستان دارند تجاری نخواهد بود. حتماً کریدور امن و مطمئنی نخواهد بود که استفاده از آن خیلی زود تجاری شود. در عین حال اگر هم این استفاده به سمت تجاری شدن پیش برود و مقیاس خودش را بتواند افزایش بدهد، وابستگی آذربایجان به ارمنستان خودش در واقع محدودیتی است که آذربایجان حتماً احساس می‌کند این وابستگی نباید صددرصد اتفاق بیفتد.

مخالفت ایران با ایجاد کریدور زنگزور نباید فراتر از چارچوب مطلوب ارمنستان باشد؛ یعنی اگر مطلوبیتی برای ارمنستان برای ایجاد مسیر حمل و نقلی وجود دارد مخالفت ما با ایجاد زنگزور نباید فراتر از آن خواسته و نظر ارمنستان باشد. اگر اینطور باشد ارمنستان هم با مخالفت می‌کند و نباید ایران به‌عنوان مانع یا مخالف باز شدن مسیرهای حمل و نقلی در منطقه شناخته شود و ما برای اینکه بتوانیم در کریدورهای منطقه‌ای و معادلات منطقه‌ای در حوزه ترانزیت نقش داشته باشیم، حتماً باید بتوانیم نوع شراکت را تعریف کنیم. حتماً اگر بخواهیم در منطقه قفقاز نفوذ داشته باشیم محدودیت‌های تحریمی که در حوزه تجارت داریم مانع هستند و هر چقدر محدودیت‌هایمان در حوزه تجارت و اقتصاد را بر طرف کنیم نفوذ نرم و اقتصادی‌مان در منطقه افزایش پیدا می‌کند و همینطور جذابیت کار کردن با ایران افزایش پیدا می‌کند. نکته آخر اینکه قبل از اینکه مسیر ارتباطی چه از مسیر ارمنستان و چه از مسیر ایران شکل بگیرد و ریل و جاده‌اش ساخته شود و این اتصال پرطرفیت اتفاق بیفتد حتماً و بلا تردید و بلاشک باید اتصال شبکه ریلی ایران به شبکه ریلی ترکیه به انجام برسد. قبل از آن اگر اتصال مسیر آذربایجان به نخجوان شکل گرفت و ساخته شد چون ترکیه شبکه‌اش را به نخجوان متصل می‌کند حتماً این شانس ما برای اینکه بتوانیم مستقیم به شبکه ریلی ترکیه وصل شویم کم خواهد شد و حتماً باید در معادلات و در راه حل جامع که برای منطقه قفقاز پیشنهاد می‌شود موضوع اتصال ایران به شبکه ریلی ترکیه هم لحاظ شود و در نظر گرفته شود.

### ▼ تحولات قفقاز نیازمند نگاه ایرانی است

احمد کاظمی، استاد دانشگاه و پژوهشگر مسائل اوراسیا نیز در این نشست گفت: موضوع کریدور ادعایی زنگزور یکی از پیچیده‌ترین مباحث و بلکه فتنه‌هایی است که



در قرن بیست‌ویکم ممکن است در معدودی از نقاط جهان اتفاق بیفتد. از بد یا خوب حادثه در روند گذار به نظم نوین جهانی و منطقه‌ای در کنار مرزهای شمال غربی ما در حال شکل‌گیری است. تحولات آبان ۹۹ به بعد یعنی جنگ ۲۰۲۰ نشان داد که ما در این منطقه باید یک جنگ ادراکی و شناختی سروراک داریم که در وهله اول و در نگاه خرد تلاش داشت تمام تحولات را به اختلافات آذربایجان و ارمنستان و مباحث مرزی و ارضی که بین این دو مطرح بوده محدود کند و در این اواخر هم دیدیم که از سطح کلان به سطح مباحث و رقابت‌های سیاسی بین جناح‌های روسیه‌گرا یا غرب‌گرا در کشور فروکاسته شد و آن چیزی که در این میان مطرح است، قربانی شدن منافع کشور است. ما امروز در کشور نیاز داریم که نگاه ایرانی به تحولات ژئوپلیتیک قفقاز و نبردهای کریدوری که با پیوسته‌های امنیتی قومی تاریخی در این منطقه دارد برنامهریزی می‌شود داشته باشیم. اول از همه عنوان کلمه کریدور به اصطلاح زنگزور از نگاه حقوقی، سیاسی، تاریخی و هم از نگاه ملی مشکل دارد. بند ۲ ماده ۲ منشور سازمان ملل از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها صحبت می‌کند. براساس این نگاه حقوقی آن چیزی که جمهوری آذربایجان به عنوان زنگزور اطلاق می‌کند دقیقاً استان سیونیک ارمنستان است. مادر گلگاه جنوب قفقاز و در جنوب ارمنستان امروز با یک بستر و سه رویا مواجه هستیم. سه نسخه کریدوری در اینجا وجود دارد. اولین نسخه کریدوری در جنوب ارمنستان دالان تورانی ناتو است. روسیه در قفقاز در اثنای جنگ دوم قره‌باغ غافلگیر شد. امروز صحنه منطقه، صحنه اخراج روسیه از قفقاز است. دوستانی که تلاش دارند بگویند روسیه تنها قدرت تعیین‌کننده در قفقاز است دستاوردهای روسیه را در قفقاز و در شرایط کنونی مورد سنجش قرار نمی‌دهند. به دلایل مختلف اولین نسخه مدنظر برای قفقاز نسخه ناتویی بود. آیا برای ما جای تعجب نیست که چرا ناتو انگلستان و حتی آمریکا که ۲۶ سال در گروه مینسک از ارمنستان حمایت می‌کردند و اجازه نمی‌دادند یک وجب از خاک آذربایجان آزاد شود چطور شدیداً دفعه از سال ۲۰۲۰ هم طرفدار آزادی ارضی اشغالی آذربایجان شدند و چگونه بعد از این اتفاق که یکی از مدرن‌ترین پاکسازی‌های قومی در منطقه قره‌باغ صورت گرفت که به با اذعان خود آقای علی اف ۷۵ درصد ارمنی بودند پاکسازی انجام شد و دنیای غرب و دنیای مسیحیت کامل سکوت کردند و شورای امنیت انگلستان از جمهوری آذربایجان حمایت کرد.